

# تَقْدِیر

سال اول

تیرماه ۱۳۰۷

شماره هفتم

بقلم رسول نخشبی

نسل آینده ایران

## مبارزه بشر با عوامل محیط خود

در مقالات گذشته آثار عوامل مخصوص محیط را که عبارت از اقلیم - رجال مذهب (۱) و حکومت باشد در ساختمان فکری بشر شرح دادیم اینک میخواهیم بیان کنیم که انسان چگونه توانسته است بمرور زمان گریبان خود را از چنگال این قوای سه گانه که هر يك به فراخور استعداد ذاتی خود در نمو و رشد و ترقی آن ایجاد موانع نموده اند خلاص گرداند . در هیچ تاریخ و هیچ دوره از ادوار زندگانی بشری حس عاطفه یا نمونه همدردی از این سه عنصر بیرحم نسبت به بشر ظاهر نگردیده و آنچه که سوانح گذشته نشان میدهد هر کدام در دوره اقتدار و زمامداری خود که هزارها سال طول کشیده فکر روح و جسم بشر را مدام و پیوسته با يك روح ظالمانه در حال اسارت و بندگی خود نگاهداشته اند .

مبارزه انسان اول با اقلیم شروع شده - این قسمت از تاریخ انسان حزن انگیز ترین قسمت های عمر گذشته اوست آن دوره را درمناظر بیاورید که انسان فاقد تمام قوای مادی و معنوی بوده و فکرش باین درجه نرسیده بود که برای خود لباس تهیه کند و یا برای قوت و غذای خود آذوقه مهیا نماید یا آلت دفاع از درندگان برای حفظ خود بدست آورد يك سرمای سخت میتوانست بمر او خاتمه دهد یا قحطی مختصری ریشه حیات او را قطع

(۱) مقصود اشخاصی هستند که دین را آلت فرار داده بر گردن مردم سوار شده اند انبیاء و علماء وجهه همت خود را جنگ با اینها قرار داده بودند

کند با اینکه يك حيوان سبعی او را از هم بدرد - هزاران سوانح با اتفاقات دیگری ممکن بود ایام زندگانی او را کوتاه کند .

ولی انسان با تمام زبونی و بیچارگی خود بمرور زمان و در عرض قرون بی شمار بتدریج خود را در مقابل اقلیم و عوامل طبیعت حفظ نموده است و بتدریج بعمل و تجربه خود افزوده تا بان پایه و مرتبه رسیده است که بتواند بر کره که در آن ساکن است تسلط پیدا کند و خود را از موانع طبیعی آن خلاصی دهد و با استقلال زندگانی نماید .

شک نیست تمام این تغییرات که پیش آمده و انسان را این اندازه قادر و توانا کرده است و یگانه قوه که او را در این قسمت موفق نموده همانا فهم بشر است - فقط فهم بشر بوده که بمرور زمان او را قادر نموده است که از تحت نفوذ عوامل طبیعت و اقلیم خود را خلاص نماید و آزادانه امرار حیات کند .

این قوه فهم و تمیز سالیان دراز است در میان قسمت عمده سکنة قاره اروپا پیدا شده و آنها را اول بعوامل طبیعت آشنا نموده است و بواسطه همین آشنائی توانسته اند موانع طبیعی را بر طرف نمایند .

امروز بلند ترین کوهها با عمیق ترین درهها سد طریق بشر نیست بوسیله علم و دانش تمام این قبیل موانع از بین رفته اند نه تنها کوه و دره بلکه دریا های عریض و طویل یا صحاری شن زار بی آب و علف نیز نمیتوانند مانع از عبور انسان باشند در حقیقت امروز بشر با کمال قدرت بر کوه و دشت و صحرا و اقیانوس و زمین و آسمان با تسلط حکمرانی میکند - تمام اینها در سایه قوه فهم و تمیز انسان صورت گرفته است و بس

همینکه دایره فهم بشر در عالم طبیعت توسعه پیدا نمود و توانست قوای طبیعی را برفع خود بکار اندازد و بیاطن آثار و علایم و جلوات عناصر طبیعت پی برد دیگر موانع حکومت و زجال مذهب نمیتوانند سد طریق او کردند بناهای آنها بواسطه اینکه کهنه و قدیمی و مندرس شده اند چندان تاب مقاومت نتوانند آورد با اینکه اتحاد این دو دسته از ابتدای تاریخ و در عرض قرون گذشته ادوار بشری محکم و ثابت بوده و مدام در مقابل

اجتماعات بشری جنبهٔ متحدی نشان داده‌اند و در يك موضوع بخصوص که عبارت از بندگی و اسارت دائمی توده‌های بشری باشد هم فکر و هم عقیده و شريك بودند با تمام این احوال همینکه انسان خود را با معلومات علمی آشنا نمود و با قوای طبیعی خود را مسلح کرد در يك حمله قلاع و استحکامات تجار مذهب و حکومت استبدادی مانند بناهای مقوائی از هم فرو ریخت .

وقتی که انسان دارای فهم و تمیز شد دانست این دو عنصر تا چه اندازه مانع ترقی و سعادت بشر شده‌اند و توانست تشخیص دهد که تا این دودسته در اتحاد خود باقی هستند ممکن نیست تزلزلی در ارکان حکمرانی آنها روی دهد با مهارت قابل تحسین شروع کرد با اتحاد آنها خاتمه دهد اول بدون اینکه مخالفت خود را نسبت بحکومت نشان بدهد بنای ستیزه را بادشمن روحی و فکری خود گذاشت قریب دوست سال یعنی تمام سالهای قرن شانزدهم و هفدهم میلادی صرف مبارزه و ستیز با علماء روحانی کرد و با رنج و زحمت توانست اتحاد این دو قوه را برهم زده آنها را از هم جدا نماید و به نفوذ و قدرت یکی از این دو قوه که قرن‌ها بروحیات بشر مستولی شده و انسان را بیچاره و زبون نموده بود خاتمه دهد .

۴۳۹

سقوط قدرت و نفوذ روحانیون سقوط حکومت استبدادی را مژده میداد ولی باسانی ممکن نبود انجام گیرد با اینکه فکر بشر توانسته بود با عوامل طبیعت آشنا شده بر آنها احاطه کند و بوسیلهٔ همان فکر و آشنائی نفوذ و سلطهٔ روحانیون را محدود نماید باز مدتها مبارزه و فداکاری لازم داشت تا بتواند بخودسریهای حکومت استبدادی خاتمه دهد - قرن هیجدهم نیز صرف این مبارزه گردید .

در نصف اخیر قرن هیجدهم استکه جنبشهای بزرگ بر علیه حکومت استبدادی شروع میشود اول قیام مهاجرین امریکای شمالی بر علیه خود - سریهای دولت انگلیس دوم شورش کبیر ملت فرانسه بر علیه حکومت خود و بعدها توسعهٔ آن در سایر ممالک اروپائی

در حقیقت افکار بزرگان و دانشمندان این قرن تماماً در اینموضوع صرف شده و توده‌های مردم را بر علیه حکومت‌های استبداد حاضر مینمود خلاصه انسان بعد از يك مبارزه سخت و وحشتناکی در عرض قرون متمادی قادر شد بر اینکه به تجلیات عوامل طبیعت آشنا شده خود را از تحت نفوذ آنها خارج کند و موفق گردید که نفوذ و قدرت روحانیون را درهم شکند و آنها را در حدود چهار دیوار کلیساهای خودشان محبوس نماید و توانانست شهر شأن و شوکت و عظمت حکومت‌های استبدادی را بر اندازد و در روی بناهای پوسیده مندرس آنها کاخ های بلند حکومت ملی را بر پا کند این موفقیت ها تمام در سایه فهم و دانش انسان حاصل شده است و بس، ولی در اینجا يك نکته بسیار بارزکی است که باید مورد دقت کامل واقع گردد و آن اینست که ملل در سایه فداکاری و مبارزه موفق میشوند حکومت‌های ملی تشکیل داده زمام امور وطن خود را بدست بکند اشخاص مجرب - عالم و وطن پرست و پا کدامن بسیاریند اما عمر این اشخاص بس کوتاه و در بنصورت دوره زمامداری آنها نیز تا اندازه محدود خواهد بود حال باید دید مردان دیگری از همین قبیل باز در میان آن ملت رشد و نمو کرده است که جای آنها را بگیرد و ملت را استمراراً و بدون وقفه در همان شاهراه ترقی و سعادت سوق دهند یا اینکه امثال این قبیل مردان نامی دیگر بر سر وجود نیامده منحصر بهمان اشخاص مختصر و محدود بوده و بس؟

۴۴۰

اینموضوع قدری قابل شرح است و ناچارم حاشیه بروم تا مقصود روشن گردد.

و خورشور پاك روان ایرانی شت زردشت این نکته را خوب تمیز داده و به پیروان خود بجا تعلیم نموده است که دو عامل مهم در دنیا برای برتری بر یکدیگر و حکومت بر آنچه در عالم موجود است داریم درستی و نبرد هستند و این دو یکی عامل خیر و دیگری عامل شر میباشد هر گاه عامل خیر فاتح گردد دنیا گلستان میشود مملکت امن میگردد مردم در راحت زندگی میکنند و وفور و کثرت نعمت فراهم میشود پادشاه عادل و رعیت پرور

براریکه شاهنشاهی قرار میگيرد در همه جا فتح و غلبه با سپاهيان اين پادشاه عادل خواهد بود درهاي رحمت خداوندي از هر طرف بروی ملت باز خواهد شد اما اگر خدای نکرده فتح و غلبه با عامل شر یا اهریمن باشد امنیت از مملکت بر طرف گشته و آسایش از مردم سلب شده قحطی در جامعه پیدا خواهد شد پادشاه ظالم بر تخت شاهی قرار خواهد گرفت دشمنان خارجی بر مملکت حمله خواهند نمود قشونهای ملی مغلوب خواهند شد مذهب یزدان پرستی از بین خواهد رفت آداب و رسوم و شئون اجنبی بر ملت تحمیل خواهد شد و مردم در عذاب و شکنجه بیگانگان گرفتار خواهند بود.

امروزه همین عقیده را علماء علوم اجتماعی در یاره ملل دنیا شاهد میاورند و عقیده دارند که دو عامل مهم در میان يك ملتی دایم در زد و خورد هستند یکی مردمان حساس و وطن پرست عالم و بصیر دیگر عده فرومایه و پست و نفع پرست و بی علاقه و هر دو این دو دسته شب و روز در مبارزه هستند اگر تفوق و برتری نصیب دسته اولی گردید ملت رو بطرف سعادت میرود و مملکت رو بترقی میگذارد و اگر بدست عده مخالف افتاد ابواب سعادت بروی ملت مسدود میگردد و مملکت رو بخرابی میرود.

بسا مللی که شاهد آرزو را در آغوش گرفته حکومتهای مستبد و خود سر را محدود نموده اند این در موقعی است که مردان عالم بصیر و وطن پرست و ملت دوست در رأس امور قرار گرفته اند ولی چندی نگذشته است که آن دور سپری شده آن زمامداران از بین رفته بجای آنها يك عده نفع پرست روی کار آمده زمام امور ملی و مملکتی را در دست گرفته اند این اشخاص درست ضد آن اشخاص علاقه مند و پاکدامن میباشند

با اینکه قرنهای قبل از انقلاب فرانسه حکومت شوروی در انگلستان بر قرار شده بود باز انسان و قبیله قوانین حکومت انگلیس را که در اواخر قرن هیجدهم در آن مملکت وضع شده است مطالعه میکنند بر خود سری و جاه طلبی حکمرانان که جز اسارت ملت منظوری ندارند تعجب مینمایند.

سال ۱۷۹۵ است که در آن قانون مخصوص برای جلوگیری مردم

از دخالت در امور سیاسی و مذهبی وضع شده است در این قانون که از پارلمان انگلیس گذشته اجتماعاتیرا که در آنها موضوع سیاسی یا مذهبی بحث شود قدغن نموده است و بمحض اشاره از طرف مأمورین دولت باید متفرق شوند و اگر اطاعت نکنند توقیف و مجازات آنها اعدام است (۱) بازهم کافی نشده در سال ۱۷۹۹ قانون دیگری وضع گردید که نطق و خطابه را در هیچ مکان و منزلی اجازه نمیداد بحث در مسائل سیاسی و علمی و ادبی و مذهبی بکلی قدغن شد تمام کتابخانهای عمومی و قرائتخانه ها تعطیل گردید و مطابع بسته شد هیچکس اجازه نداشت بدون اطلاع پلیس کتاب یا جزوه و یا روزنامه عاریه دهد هر کس مایل بود کتابخانه باز کند باید از دولت قبلاً اجازه تحصیل نماید و اگر چنین اجازه بکسی داده میشد عیبیست اقلاسالی بکمرته آن اجازه را تجدید کنند و الا مقصر بقلم رفته مؤسسه او بسته میشد. قانون فوق الذکر اشاره میکند که اگر کسی کتاب خود را بدون اجازه محاکم صالحه رسمی بکسی عاریه دهد و یا اینکه اجازه دهد در زیر سقف خانه او موضوعی اعم از هر موضوعی که باشد مذاکره شود برای این خلاف معادل یکصد لیره انگلیسی در هر روزی باید جریمه دهد و هر کس که با او مساعد باشد و یا مساعدت کند و یا در بحث شرکت نماید و یا کتابیرا به آنها برای مطالعه دهد معادل بیست لیره انگلیسی جریمه خواهد شد بعلاوه بصاحب یک چنین خانه و مؤسسه نه فقط جریمه های سنگین تعلق میگرفت بلکه خود او مفسد و خانه و مسکن او محل فساد و مرکز اغتشاش قلم میگرفت.

مطابع و روزنامه ها تماماً تحت نظارت و تعقیب بودند و هیچ مطبعه نمیتوانست بدون اجازه دولت کتابیرا بطبع برساند و هیچ روزنامه حق این را نداشت که خبری را انتشار دهد هیچ محل و مسکن و مأوایی نبود که در تحت مراقبت و تعقیب اداره پلیس نباشد هیچ کتابفروشی قادر نبود کتابیرا بدون اطلاع پلیس خرید و فروش کند کتابهای توماس فاین (۲)

(۱) تاریخ تمدن در انگلستان جلد اول صفحه ۳۹۷ تألیف یوکل چاپ لندن  
 (۲) Thomas Faine یکی از نویسندگان معروف انقلاب امریکای شمالی معروفترین کتاب او دوره فهم و دانش بشر است.

پیش هر کس سراغ میشد مقصر و جانی محسوب میگردید  
هیچکس در منزل و مأرای خویش از تجاوزات ایمن نبود تمام  
مجلس‌ها مملو از مقصرین سیاسی بود محاکم مخصوص برای این قبیل مقصرین  
ایجاد شده بود (۱).

از تاریخ وضع این قوانین بیش از یکصد سال و اندی نیست که می  
گذرد با وجود وضع يك چنین قوانین سختی بر علیه آزادی ملت انگلیس  
امروز این ملت آزادترین ملل روی زمین بشمار میرود و از حیث علم و  
دانش مقام اول را احراز کرده است تقریباً به ثلث عده نفوس حالیه بشری  
حکمرانی مینماید.

با اینکه تاریخ آزادی و مشروطیت آن اقدام از آزادی و مشروطیت  
سایر ملل است و قرن‌هاست به آن خو گرفته و عادت نموده است با اینحال  
مؤسسات ملی آن بدون موانع نبوده و در تاریخ حیات ملی آنها دیده می-  
شود که حکومت و مذهب آن چه موانع بس خطرناکی برای آن تهیه نموده  
است و برای جلو گیری از توسعه علم و دانش آن چه قوانین وضع کرده‌است  
فرقی نمیکند تاریخ حیات ملی سایر ملل نیز تقریباً این نوع تبدلات  
را داشته است منتهی آنها مدت‌هاست بمضار و مفسد آن برخورده اصلاحات  
کلی نموده اند و مؤسسات ملی خود را این قبیل تجاوزات ایمن نگاهداشته  
اند مثلاً مدت‌هاست بی برده اند که آزادی برای يك ملتی به-ترین گهواره  
است که میتواند مردان بزرگ و نامور و فوق العاده پرورش دهد و بقایای هر  
ملتی نیز بسته بمردان فوق العاده آن ملت است و تا آزادی کامل ملی نباشد  
چنین مردان نادر و فوق العاده از میان آن ملت ظاهر نمی شود و تا چنین  
مردمانی بعرضه رجود نیابند و زمام‌امور آن ملتها در ید اقتدار خود نگیرند  
آن ملت جلال و عظمت پیدا نمیکند.

در اثر آزادی کامل است که مردمان بزرگ پیدا شده و از وجود  
آنها يك ملتی دارای قدرت و نفوذ میگردد پس قدرت و نفوذ و شأن و  
شوکت و جلال و عظمت يك ملتی با آزادی آن ملت توأم است اگر آزادی

نباشد نور علم و دانش و معرفت در میان آن ملت وجود ندارد و قتیکه حال چنین است ظلمت و جهل و نادانی در میان آن قوم حکمرانی میکند و از پرورش مردان بزرگ و فوق العاده محروم است.

دول اروپا علاوه بر اینکه آزادی را با تمام معنی در میان ملت خود برقرار نموده اند و در تعقیب آن بواسطه نشر علم و دانش ملت خود را بحقایق آنچه که در عالم محسوسات است واقف نموده اند و دارای آن اندازه معلومات شده اند که عامل شر یا عده نفع پرست نتواند در رأس امور ملی قرار گیرند ملت باندازه دارای فهم و دانش شده است که به آسانی بتواند بین خادم و خائن تمیز بدهد و از اعمال آنها جلوگیری کند

در این هیچ تردید نیست که خداوند متعال برای هر ملتی بفرخور عده و نفوس آن بطور تناسب قوه فهم و عقل و استعداد برای ایجاد صنعت و تولید ثروت و بروز قوه اختراع و فهمیدن مسائل غامض فلسفی و حکمتی و روح شجاعت و شهامت فهم اصول مملکت داری و ایجاد هر نوع وسائل و اسباب سعادت و ترقی یک علتی سهمی معین نموده و عده از آنها را در یک رشته بخصوص مستعد و قابل و لایق آفریده است ولی علامت مخصوص و مشخص و معینی ندارند که انسان این اشخاص با استعداد را بشناسد اما طریق واضح و روشن معروف دارد که بوسیله آن هر یک از آنها را در هر رشته که تصور کنید باسانی میتوان تمیز داد و آنها را شناخت و آن یکنه وسیله شناسائی مدرسه است که تنها بوسیله آن میتوان فرداً فرد این اشخاص را معلوم نمود و درجه قابلیت و استعداد هر یک را از روی یقین و با اطمینان خاطر یقین کرد

در اینکه خداوند سهم ما را بطور تناسب بما اعطا فرموده شك و شبهه نیست چه بشهادت تاریخ ملت ایران به تناسب عده نفوس خود مردان نامی بسیار داشته و هر یک از آنها يك ستاره درخشانی هستند که مدام ایرانی از پرتو فروغ آنها برخوردار شده است.

هر وقت دوره و زمان مناسب بوده و بوجود آنها احتیاج پیدا شده این اشخاص رشد و نمو کرده بواسطه استعداد ذاتی و لیاقت فطری خود



بجامعه معرفی شده اند ولی همینکه دوره تغییر نموده و از تربیت این اشخاص غفلت شده اثری از آنها دیگر دیده نمی شود چونکه زمان خواهان آنها نیست بیک عنصر دیگر غیر از مردان فاضل احتیاج پیدا میکند.

حال يك شاهد بسیار ساده میاوریم - ایرانی هم دارای روح تقلید است و هم روح شجاعت این دو صفت با سایر صفات خوب و بد در نهاد هر بشری طبیعی و ذاتی است اما برای رشد و نمو آنها اسباب لازم است اسباب هر يك از این صفات بیش از سایرین فراهم شد آن صفت مخصوص که وسایل رشد و نمو آن بهتر مهیاست بهتر و بیشتر و سریعتر نمو میکند و آثار و علایم خود را ظاهر مینماید.

دوره شاه سلطان حسین يك دوره بسیار مناسبی بود که روح تقلید و موهوم پرستی ایرانی رشد و نمو کنند یقیناً مطالعه نموده اید این صفت ایرانی در این تاریخ بچه مرتبه عالی رسید.

۴۴۵

بردارید کتابهای آندوره را مطالعه کنید تا حدی که نگارنده اطلاع دارد در هیچ دوره این اندازه بازار جعل اخبار و احادیث رایج نبوده در این دوره ایرانی جز اطاعت از پیشوایان مذهب بخدمت دیگری نمیتوانست انجام دهد نصف بیشتر سکنه پایتخت ایران که در آن تاریخ قریب يك کرور نفوس داشت در سلك روحانیین و طلاب علوم دینییه بودند.

ولی در دوره بعد که فرق زمان بیش از چند سالی نبود مقیاس عوض شد اسباب و وسایل رشد و نمو قوه سلحشوری و جنگجوئی بهتر مهیا گردید - در این زمان قلیل جنگ جویان بسیار پیدا شدند که از زیادی عده آنها انسان تعجب میکند اینها در کجا بودند و چرا در حمله هجوم افغان اظهار حیات نکردند؟

يك ملتی مانند يك فردی دارای همه نوع استعداد ذاتی و فطری است فقط چیزیکه لازم دارد اسباب و وسائل نمو و رشد آنها است برای هر يك از این استعدادها که تصور کنید وسائل و اسباب رشد و نمو و ترقی فراهم گردید و تشویق شد آن قسمت شروع برشد و نمو کرده بطور غیرمحدودی ترقی خواهد نمود

عبث نیست که امروز اولیای امور هر مملکتی بهترین اوقات گرانبهای خودشان را صرف تعلیم و تربیت سکنهٔ اقلیم خود مینمایند و میخواهند اصول تعلیم و تربیت را با بهترین طرزى در تمام گوشه و کنار و دور و نزدیک تا آخرین نقطهٔ امکان وطن خویش بسط دهند که هیچ فردی از افراد از فوائد بیشمار آن بی بهره نماند

اینهمه جدیت در این زمینه برای چیست؟ برای اینکه فهمیده و دانسته‌اند که هر فرد از افراد يك جامعه دارای استعدادهاى مخصوصی است که فقط و فقط در سایهٔ اصول منظم و مرتب تعلیم و تربیت عمومی رشد و نمو آنها صورت میگیرد و بس

در میان ملت ایران یکمده ژنی‌های بی‌مثل ومانندی وجود دارند و در هر رشته که تصور کنید ممکن است سرآمد دیگران نیز باشند ولی امروز با این وضع تعلیم و تربیت و نبودن هیچ نوع اسباب و لوازم کار و مهیا نبودن وسائل ترغیب و تشویق طرفدار و خواهان متنفذ و جدی این ژنی‌ها در میان ملت ایران قدم بعرضهٔ وجود گذاشته بدون اینکه جامعهٔ ایرانی آنها را بشناسد و بداند و یا از خودشان آثار و علائم ظاهر سازند میگذرند و با مرک هم آغوش میگردند

اما اگر تعلیم و تربیت صحیح برقرار گردد و ابواب تعلیم عمومی بطور یکسان بروی هر کلبه نشینی مفتوح گردد اسباب و لوازم بطوریکه در ممالک مترقی حاضر و آماده شده در ایران نیز فراهم گردد آنوقت است که این ژنی‌ها خودنمایی کرده از بروز استعدادهاى ذاتی و فطری خودشان دنیائی را بحیرت خواهند انداخت

سعادت نسل آیندهٔ ایران بسته بتعلیم و تربیت استعدادهاى ذاتی این ژنی‌های تم کشتهٔ ایرانی است که در مقالهٔ آتیه موضوع بحث ماست

### کلمات بزرگان

بزرگمهر را پرسیدند که آیا حبل‌مال تغییری در عقاید علماء میدهد؟  
بزرگمهر گفت هر کس که مال اخلاق و عقاید او را تغییر دهد